

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بیژن رستگار
فرستنده: فرح نوتاش
۱۱ دسمبر ۲۰۱۸

جنبش واسکت زردها در فرانسه



به‌خاطر بیاوریم که رئیس جمهور فرانسه، امانوئل مکرون، در چه شرایطی انتخاب شد. در این رابطه مقاله ای در آذرخش آمد که به‌تفصیل شرایط آن زمان و آن انتخابات را تشریح کرد. به‌طور خلاصه، در یک شعبده بازی انتخاباتی، به زور تبلیغات وسایل ارتباطات جمعی که همگی در چارچوب خصوصی سازی توسط بنگاههای بزرگ اقتصادی فرانسه خریداری شده اند و نیز با ایجاد ترس از تصرف قدرت توسط یک جریان راست افراطی (جبهه ملی "لوپن" با گرایش‌های فاشیستی)، آقای مکرون با تعداد کمی آراء انتخاب شد. ایشان که از کارگزاری در بانک رونچیلد به پست وزارت اقتصاد در دوران ریاست جمهوری هولاند دست یافته بود، از همان اولین روزهای ریاست جمهوری‌اش، سعی نمود همان سیاستهای نئولیبرالی دولت‌های قبلی را با توانی هر چه بیشتر و این بار با تکیه بر نیروی جوان به‌کار گرفته شده در دولت و پارلمان به سرعت به‌اجراء درآورد. چنین بود که به در هم شکستن تمامی ساختارهای اقتصادی فرانسه پرداخت. ابتداء مالیات بر ثروت های زیاد را حذف کرد و قانون کار را علیه کارگران و به‌نفع کارفرمایان تغییر داد و آنگاه یک عوارض بر همه درآمدها بست که البته بیشتر بر دوش مردم کم درآمد (زحمت‌کشان و بازنشسته‌ها) سنگینی می‌کند و برای بانک‌ها و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی امکان فرار از آن‌ها وجود دارد. سپس، کمک هزینه مسکن و همه دیگر کمک های اجتماعی را کاهش داد. ده ها هزار کارمند دولت را بیکار یا اخراج کرد و قوانین جدیدی گذراند که

دست کارفرمایان را در اخراج کارگران باز گذاشت. مدت استفاده از بیمه بیکاری را کوتاه کرد، تاکسی ها و آمبولانس ها و همه وسایل حمل و نقل را به بهانه مدرن سازی به دست شرکت های چند ملتیتی نظیر "اوبر" سپرد و این شیوه را تا آنجا که می توانست به سایر بخش های فعالیت اقتصادی گسترش داد. حتی، آرایشگران و دندان پزشک ها و پزشک ها نیز از تجاوز به حریم خود مصون نماندند. در عوض قانون مالیات بر ثروت های بزرگ را ملغی کرد و میلیاردها دالر نیز به شرکت های بزرگ کمک نقدی داد به این شرط که کارفرمایان "قول شرف" بدهند که کار ایجاد خواهند کرد! بدین ترتیب قدرت خرید بخش های گسترده ای از زحمتکشان و بیکاران و بازنشستگان به دلیل افزایش تورم واقعی و عدم افزایش دستمزدها به شدت سقوط کرد.

قانون اساسی جمهوری پنجم فرانسه که در زمان جنگ آزادی بخش الجزایر نوشته شده بود، حداکثر قدرت را به رئیس جمهور داد حال آن که مسؤول و پاسخگو نه او بلکه نخست وزیر است همچنین بندهائی دارد که به رئیس جمهور اجازه می دهد هر زمان که فکر می کند قانون مورد احتیاجش را که نمی تواند به آسانی و به سرعت از تصویب مجلس بگذرد، با یک فرمان خودش تصویب کند. آقای مکرون از همان زمان به قدرت رسیدنش اکثر قوانینی که با مخالفت از پائین روبه رو می شد را از طریق فرمان و بدون بحث در مجلس به مردم حقه کرد. هر زمان هم اگر مقاومتی می شد دولت اعتنائی نمی کرد و اعتراض کنندگان را نیز آنقدر به حال خود رها می کرد تا خسته شده و از مقاومت دست بردارند.

آخرین شاهکار آقای مکرون بالا بردن ناگهانی بهای گازوئیل است که تقریباً سی سانتیم به قیمت آن اضافه شد. این افزایش ناگهانی موجب واکنش سریع مردم زحمتکش فرانسه شد. این مردم اعم از کارگر، دهقان یا کسانی که در بخش های مختلف اقتصاد فعالیت دارند، به علت گرانی هزینه مسکن در مراکز شهرها، اکثراً به حومه های شهر و بعضاً به نواحی بسیار دور نقل مکان کرده اند و برای فعالیت اقتصادی خود اجبار دارند با اتومبیل هایی که اغلب گازوئیلی است (زیرا سالها بهای گازوئیل از بنزین بسیار پائین تر بود و خریدن اتومبیل گازوئیلی صرفه بیشتری داشت) به مراکز شهری بیایند که اکثریت فعالیت اقتصادی را در خود متمرکز کرده اند. به علاوه در شهرها و روستاهای دور افتاده، به علت بسته شدن اکثر راه آهن های بین شهری، تنها وسیله ارتباطی مردم همان اتومبیل گازوئیلی است. علاوه بر همه اینها، استفاده از گازوئیل (مازوت) برای گرم کردن ساختمانهای مسکونی نیز بسیار رایج است. این افزایش قیمت، آخرین رمق مردم که قادر به تأمین زندگی خود تا آخر هر ماه نیستند را می گیرد.

بدین ترتیب با افزایش ناگهانی بهای گازوئیل، فشار شدیدی بر معیشت مردم کم درآمد وارد شد که برایشان راهی جز مقاومت باقی نماند. ابتداء اعتراض ها از طریق وسایل مدرن ارتباطی نظیر تویتر و فیس بوک شروع شد. تا آنجا که به ابتکار چند نفر روز ۱۷ نومبر برای یک تظاهرات خیابانی انتخاب شده و پیشنهاد شد که تظاهرکنندگان با پوشیدن یک واسکت زرد که همه رانندگان باید همراه داشته باشند به خیابان ها بیایند. خیابان شانزه لیزه پاریس نیز برای یک تجمع و تظاهرات مرکزی پیشنهاد شد. خصوصیت این خیابان اینست که علاوه بر طول و عرضش، معروف ترین مغازه های مد فرانسه در آن و حوالی آن حضور دارند. به علاوه کاخ ریاست جمهوری، مجلس ملی فرانسه، وزارت داخله و نیز سفارت امریکا و اسرائیل و چند کشور دیگر و مراکز چندین بانک و بنگاه اقتصادی دیگر در این خیابان یا حوالی آن قرار دارند.

استقبال از پیشنهاد تظاهرات در فیس بوک آنقدر زیاد بود که حکومت به وحشت افتاد. ابتداء سعی کرد با این استدلال که بالا بردن قیمت گازوئیل به خاطر مبارزه با آلودگی محیط زیست است، عمل خود را توجیه کند. ولی مردم فرانسه بخوبی می دانند که این ادعاهای دولت دروغی بیش نیست و هدف بورژوازی حاکم و آقای مکرون گذاشتن بار بحران سرمایه داری جهانی بر گرده مردم و خالی کردن بیشتر جیب های خالی آنها است که مدت ها است با خط فقر هم نشین

شده‌اند. سال‌هاست که این نوع ترفندها از طرف حاکمین به‌کار گرفته می‌شود و چنان عادی شده است که همه می‌فهمند. دقیقاً از دوران تاجر و ریگان که سیاست‌های نئولیبرالی بر جهان چیره شد و بانک جهانی و سازمان بین‌المللی پول ناظر بر اجرای این سیاست اقتصادی در سراسر جهان شدند، راندن کارگران و زحمت‌کشان به‌سوی فقر مطلق و تقدیم حاصل استثمار جهان به‌تعداد کمی صاحبان ثروت‌های نجومی که مالکیت وسایل تولید را در اختیار دارند سیاست عادی همه دولت‌ها شده است. مکرون نیز مجری همین سیاست در فرانسه است که چون عضو اتحادیه اروپاست باید دستورهای این اتحادیه را اجراء کند. آزادی عمل او نیز فقط در چهارچوب دستورالعمل‌های این اتحادیه قرار دارد. او ادعا می‌کرد سیاستی نو در پیش خواهد گرفت، ولی امروز مجش باز شد و مردم او را شناختند و طبیعی است که فریاد می‌کنند "ماکرون استعفا کن" و از او با تخم مرغ گندیده استقبال می‌کنند.

در روز موعود، صدها هزار مردم کم در آمد، اعم از بیکاران، خرده بورژوازی، کارمندان کم در آمد و معلمان و توده گسترده مردم تهیدست شهرهای کوچک و روستاها که بسیاری برای اولین بار در تظاهرات و یا در عملی مبارزاتی شرکت می کردند و همچنین، حاشیه نشینان و بخش‌هایی از کشاورزان به‌خیابانها ریختند. خیابان شانزه لیزه توسط یک توده عظیم تظاهر کنندگان تصرف شد و جمعیت به‌سوی کاخ ریاست جمهوری به‌حرکت در آمد. نیروهای ویژه سرکوب در مقابل مردم خشمگین سد ایجاد کردند و زدو خورد شروع شد و تا دو هفته بعد نیز با شدت بیشتر تکرار شد. آقای مکرون موفق به بیدار کردن مقوله ای شد که مردم نام دارد: توده‌ای بی شکل و غیر قابل کنترل! مردم نامی بود که مدت‌ها به‌فراموشی سپرده شده بود و برخی از روشنفکران، فیلسوفانه می‌گفتند که دیگر وجود ندارد. این درست همان حرفی است که در مورد طبقه کارگر می زدند و می گفتند که پرولتاریا دیگر وجود ندارد ولی دیدیم که وقتی همین آقای مکرون هنگامی که به‌قانون کار دست می‌برد ماه‌ها پرولتاریای فرانسه را در تظاهرات صدها هزار نفری به‌خیابان‌ها کشانید. بورژوازی خودش هم گویا دچار توهم و خود بزرگ بینی شده است و اسیر تبلیغات دروغین خودش می‌شود که قاعده‌تاً فقط استفاده خواب کردن کارگران و مردم زحمت کش را از آن‌ها دارد. به‌همین دلیل است که دولت و رئیس جمهور فرانسه بی وقفه در مقابل خشم مردم با تکبر تکرار می کردند که به‌هیچ وجه افزایش قیمت سوخت را پس نخواهند گرفت. این تکبر که گاهی با توهین به‌مردم نیز همراه بود حدی نداشت تا آنجا که همه مردم معترض را از زمره گروه‌های راست افراطی نامیدند. البته در جنبشی مردمی با ابعادی چنین گسترده که میلیون‌ها نفر را در بر می‌گیرد حضور افرادی با تفکر راست افراطی کاملاً طبیعی است و با تکیه بر حضور چند فاشیست برای فاشیستی خواندن کل جنبش به وقاحتی نیاز دارد که فقط در اختصاص بورژوازی‌ها فرانسه و دیگر نئولیبرال‌های بحران زده و دلشکسته از نفی خود توسط میلیون‌ها نفر از مردم زحمت‌کش، تعلق دارد. این را همه می دانند که ده‌ها سال سیاست نئولیبرالی دولتهای متوالی فرانسه، حتی با ماسک سوسیالیست، مردم را چنان به‌خاک سیاه نشانده است که برای اعلان نفرت خود از این حکومت‌پیشگان مردم فریب که اغلب دزد هم هستند، به راست افراطی رأی می دهند.

امروز که این مقاله نوشته می‌شود، پس از سه هفته تظاهرات که در آخرین هفته با برخوردهای شدید بین پولیس و مردم و تعدادی آتش سوزی و تخریب بانک‌ها و مغازه های شیک همراه بود، حکومت فرانسه مجبور به‌عقب نشینی شد. دولت اعلان کرد که افزایش قیمت‌ها را شش ماه عقب می اندازد تا کمی در باره اش فکر کنند. پس از اعلام عقب نشینی نسبی دولت، اکثریت قریب به اتفاق واسکت زردها این عقب نشینی را کاملاً نا کافی دانسته و معتقدند که دولت با اعلام عقب انداختن ۶ ماه در بالا بردن مالیات روی سوخت و دو مورد دیگر افزایش قیمت در حقیقت وقت می خرد و عقب رفته است که بهتر ببرد و این که به هر حال این تصمیمات به‌هیچ وجه کافی نیستند و مردم خواستار تغییراتی جدی در همه زمینه‌ها و به خصوص سیاست‌های اقتصادی هستند. تغییراتی که نه تنها وضع امروز زندگی و معاششان

را بهتر کند، شرکت و حضور واقعی آنها را در تصمیم گیریها نیز ممکن سازد. خواسته‌های فوری جنبش عبارتند از :
معلق کردن افزایش قیمت‌های گاز ، برق ، بنزین و مازوت، بالابردن قابل ملاحظه‌ی دستمزدها که سالهاست علی رغم بالا رفتن قیمت‌ها ثابت مانده اند و کمک به بی بضاعتان و بیکاران، استعفای مکرون ، انحلال مجلس و برگزاری انتخابات با مشارکت مستقیم نمایندگان جنبش واسکت زردها، برقراری دموکراسی مستقیم و پاسخ گو بودن واقعی منتخبان، تغییر قانون انتخابات برای هموار کردن مشارکت نیروهای سیاسی غیر شریک در حاکمیت و.....

شورش خود به خودی مردم فرانسه دارای این خصوصیت است که نماینده‌ای ندارد تا حکومت از طریق مذاکره با آن بتواند راه خروجی پیدا کند. تمامی کوشش حکومت نیز برای پیدا کردن چند نماینده به شکست انجامید. در درون جنبش صحبت از مجلس شهروندان شد (که چیزی معادل کنگره شوراهاست) و در درون طبقه حاکمه نیز پیشنهادهای مبنی بر دعوت کردن مجلسی شد که از نمایندگان مجلس سنا و شورا و نیز نمایندگان احزاب و تعدادی هم نماینده از طرف مردم "واسکت زردها" تشکیل شده باشد. ولی حتی در این پیشنهاد نیز مشکلی وجود دارد و آنهم پیدا کردن نماینده واسکت زرد هاست. اما تا واسکت زردها سازماندهی نشوند صحبت از نماینده کردن پوچ و بی معنی است. از طرف دیگر این جنبش اگر سازماندهی بشود براحتی به صورت قدرتی در مقابل قدرت حاکمه در می آید که به تناسب گسترش دامنه خیزش قادر است بهجائی بکشانند که تمامی ساختار حکومتی موجود را بسوزاند. اگر آقای مکرون با استقامت در مقابل اعتراضات متشکل کارگران قادر به درهم شکستن آن شد، علنش بیشتر عدم گستردگی جنبش و نیز محدود ماندن آن به اعتراضات خیابانی بود که همه می دانند به نتیجه ای نمی رسد. به علاوه در آن دوران همه سندیکاها با هم بر سر جهتهائی که جنبش می بایست بگیرد توافق نداشتند : اگر تظاهرات با اعتصاب عمومی و با اشغال بنگاههای اقتصادی همراه می شد به احتمال قوی رژیم را به زانو در می آورد. در جنبش کنونی هنوز جای کارگران و یک اعتصاب عمومی همراه با اشغال کارخانه ها خالی است. جای یک حزب انقلابی نیز خالی است که بتواند به جنبش شکل بدهد و آن را تا سرنگونی حکومت بورژوازی رهبری کند. این حزب، حزب کمونیست انقلابی، مدت هاست که در فرانسه وجود ندارد و احزاب چشمگیر دیگری که امروز در فرانسه نام سوسیالیست یا کمونیست به خود می نهند، نه تجربه و نه نفوذ قابل ملاحظه ای در توده ها دارند که آن ها را قادر کند که رهبری این جنبش عظیم را به دست گیرند. ولی جنبش هنوز ادامه دارد و به قول خودمان ایرانی ها "شب آبستن است". "آیا رهبران انقلاب بزرگ فرانسه، مارا، روبسپیر، دانتن و دوباره زنده خواهند شد ؟ اگر زنده بشوند هم کاری از دست آن ها برای بورژوازی بر نخواهد آمد. امروز دیگر دوران سرمایه داری به سر آمده است. این نظام که در سراسر دنیا به بحرانی بزرگ فرو رفته است دیگر برای اکثریت عظیم مردم جز نکبت و تیره روزی کاری نمی تواند بکند و شادی و خوشبختی مردم جای دیگر و در نظام دیگری است. دوران ما دیگر دوران انقلابات پرولتری و استقرار نظامی سوسیالیستی در سراسر جهان است.

پس بلند بگویم زنده باد سوسیالیسم